

نسبت مفهومی نظریه معماری سرآمد با سایر جریان‌های هویت‌گرا در کشورهای در حال توسعه

محمد جواد مهدوی نژاد^۱

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶ □ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۰ □ صفحه ۳۶-۲۵

Doi: 10.22034/RPH.2022.697030



چکیده

گرایش به «هویت» در کشورهای در حال توسعه و به خصوص کشورهای اسلامی، بیش از هر زمان دیگر مورد توجه قرار گرفته؛ به گونه‌ای که امروزه جریان‌های هویت‌گرا به یکی از مهم‌ترین جریان‌ها در هنر معاصر کشورهای اسلامی تبدیل شده‌اند. ادبیات موضوع نشان می‌دهد که این جریان‌ها، در کنار نقاط قوت فراوان، ضعف‌های متعددی نیز داشته‌اند. در ایران نیز، در کنار سایر گرایش‌ها، نظریه معماری سرآمد، با بیانی معاصر از تعامل فناوری و شکوفایی، به ترسیم الگوی مختار جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. مساله اصلی پژوهش یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریه پیشنهاد شده، با سایر نظریه‌های رقیب در کشورهای اسلامی است. هدف اصلی پژوهش بازخوانی گرایش‌های تجدیدحیات‌گرایانه در کشورهای اسلامی، و تحلیل نقاط قوت و ضعف آنها در مقایسه به نظریه «سرآمدی در هنر و معماری» است. بر اساس هدف غایی ترسیم شده، نتایج پژوهش می‌تواند چارچوبی برای سیاست‌گذاری‌های جامع‌نگر در عرصه هنر و معماری کشورهای اسلامی را فراهم آورد. از نظر روش‌شناختی، پژوهش با راهبرد استدلال منطقی و روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی نظریه‌ها و رویه‌های تجدیدحیات‌گرا در هنر و معماری کشورهای اسلامی می‌پردازد. در تحلیل آثار و رویه‌ها، از روش‌های تحلیل محتوای معنایی و مدل‌سازی استفاده می‌کند. پژوهش با رویکرد آینده‌نمایی، به دنبال ترسیم چستی الگوی مطلوب از هنر و معماری، در تراز سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران؛ به عنوان الگوی الهام بخش برای سایر کشورهای اسلامی است. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد که هر دو جریان فناوری‌ستیز و سنت‌ستیز، در عمل به نوعی «سنت‌گرایی افراطی» و یا «معماری تقلیدی» منتهی شده‌اند. کاستی مهم نظریه‌های موجود در عرصه هنر و معماری کشورهای اسلامی، فقدان کاربردی بودن در عرصه طراحی، و ضعف در جامعیت است. نظریه معماری سرآمد با نقد سنت‌گرایی افراطی و جریان تقلیدی، و با پیشنهاد نگاه آینده‌گرا و مفهومی، بستری را برای تعامل هویت بومی و فناوری برای آینده هنر و معماری کشورهای اسلامی پیشنهاد می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: هنر معاصر کشورهای اسلامی، رویکرد طراحی مینا، معماری آینده، نظریه معماری سرآمد، کیفیت طراحی، حکمت و فلسفه هنرهای زیبا، سند چشم‌انداز بیست ساله کشور.

۱. استاد گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مقدمه

تغییر و تحول در کشورهای در حال توسعه به خصوص کشورهای اسلامی، بسیار فراتر از انتظارات است به گونه‌ای که جمله آغازین ویرایش اول کتاب *نظریه معماری سرآمد* با عنوان *خورشید از شرق طلوع می‌کند*، امروز بیش از هر زمان دیگر واقعی و دست‌یافتنی به نظر می‌رسد. تحولات بهار عربی یا بیداری اسلامی در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا، جهش اقتصادی چین، رونق اقتصاد در کشورهای شرق دور، توسعه دانش و فناوری در غرب آسیا، همه و همه نشان از یک سلسله تحولات بسیار مهم در هندسه جهان کنونی دارد؛ به نظر می‌رسد که قرن ۱۵ هجری خورشیدی با چند قرن قبلی خود متفاوت باشد، شاید به‌راستی «خورشید از شرق در حال طلوع کردن است».

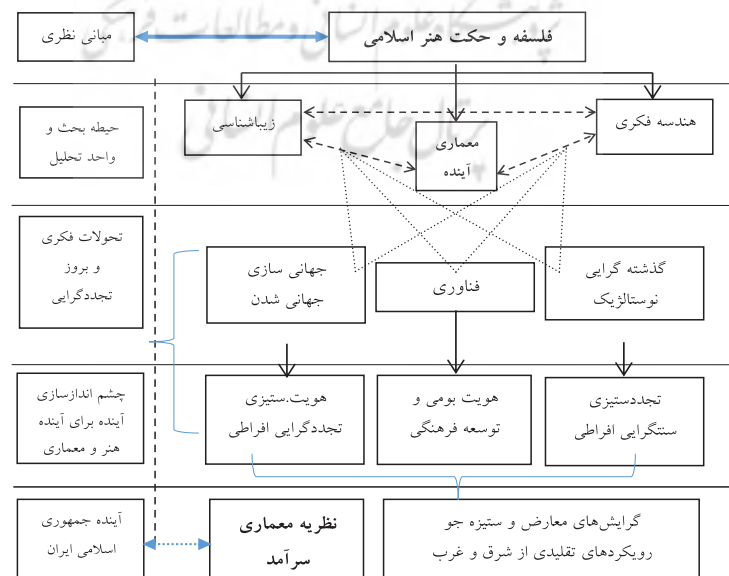
هنر معاصر در کشورهای اسلامی، در حال تغییر و تحول بنیادین است. معماری به عنوان یکی از مهم‌ترین هنرهای زیبا، که نمودی عملی در زندگی انسان‌ها دارد؛ موضوعی که نوشتار حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های آن است. نگاه جامع و پهنانگر پژوهش در عمل به نوعی جریان‌شناسی و طبقه‌بندی رویکردهای متعدد اعم از سنت‌گرایی، تجدیدگرایی، بوم‌گرایی، منطقه‌گرایی و غیره می‌پردازد. بحث اصلی این پژوهش بازشناسی، معرفی و تحلیل دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلف به «هویت‌گرایی» و «تجدیدحیات‌گرایی» در کشورهای اسلامی با هدف احیای معماری ارزش‌های بومی در کشورهای اسلامی است. بحث در شاخصه‌ها و مؤلفه‌های گرایش به هویت، شباهت‌ها و تفاوت‌های جریان‌های اصلی، از نتایج این

رویکرد جامع نگر خواهد بود. (شکل ۱)

با توجه به گستردگی رویکردهای بوم‌گرایی و هویت‌گرایی در کشورهای اسلامی، شناسایی و طبقه‌بندی آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. امروزه بیش از هر زمان دیگر، ارزیابی میزان اصالت نگرش‌های متعدد به مفهوم احیای هویت بومی در معماری جوامع اسلامی اهمیت یافته است، همان موضوعی که از آغاز هزاره جدید در سایر کشورهای در حال توسعه نیز اهمیت یافته و به موضوعی مهم تبدیل شده است. فقدان پشتوانه نظری در این کشورها، یک چالش اساسی ایجاد کرده است، از یک سو «با هویت بودن» دارای اهمیت است، و از سوی دیگر «روزآمد بودن». این موضوع، یک چالش اساسی در حوزه معرفت‌شناسی هنر را مطرح می‌کند، همان چالشی که تنها با نگاه عمیق فلسفی و حکمی می‌توان به آن پاسخ داد. حیطة اصلی پژوهش حاضر، بحث بر روی همین چالش، و قابلیت‌های نظریه معماری سرآمد در مقایسه با سایر نظریه‌های رقیب در کشورهای اسلامی است.

پیشینه پژوهش

داراب دیبا (۱۳۷۴) در پژوهشی با عنوان «مروری بر معماری معاصر جهان و مسأله هویت» ریشه چالش امروز را به ورود تجدیدگرایی به ایران مرتبط می‌داند و بیان می‌کند که «... یک روند نامتعادل در روابط سیاسی-فرهنگی و اقتصادی با کشورهای جهان و به‌ویژه با غرب، موجب شده تا در صد سال گذشته، اصالت وجودی یکی از «برجسته‌ترین هنرهای ایران معماری» به



شکل ۱. چارچوب تحلیلی پژوهش.

۱۳۹۳: ۸۰). «معماران غربی با استناد به روش‌های شرق‌شناسانه خود، با ویژگی‌های معماری اسلامی کشورهای مختلف آشنا شده و طیفی از اصول، معیارها و در مرتبه‌ای ساده‌تر فرم‌های نمادین را جهت ایجاد خوانایی فضایی، شکلی و هماهنگ با اصول زندگی مخاطبان مسلمان به کار می‌برند» (مهدوی‌نژاد و سعادتجو، ۱۳۹۳: ۸۷) به عبارت دیگر، معماری معاصر کشورهای اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال افریقا نمودی از جریان‌های جدید معماری معاصر جهان است که گرایش به هویت همراه با شهرت جهانی را دنبال می‌کنند.

هنر معاصر، نمونه‌ای از گرایش به تجدیدحیات با تأکید بر هویت بومی است. معماری جوامع اسلامی، از منظر کنش‌های داخلی و خارجی، در سویه‌گیری نسبت به سنت و تجدد معرفی شده است. نزدیک به یک قرن است که معماری کشورهای درحال توسعه اسلامی در برابر تحولات جهانی معاصر در کشاکش بین سنت و تجدد، تحولات جهانی و شاخص‌های محلی در پی بازیابی هویت خویش هستند (دیبا و همکاران، ۱۳۸۵). این منازعات هویت طلبی کشورهای درحال توسعه در رویارویی با پدیده جهانی شدن، نه یک سبک، بلکه یک ایدئولوژی یا بستر فکری است که در پی تجدید حیات‌گرایی و هویت‌گرایی برآمده‌اند. پرسش از هویت در کشاکش بین دنیای سنت و مدرنیته، پرسش اساسی اغلب کشورهای درحال توسعه برای پاسخگویی به نیازهای معاصرشان بوده است. پرسشی که با تمسک به بازه‌ای از دو سر طیف، همواره پاسخ را در درون خویش دربر داشته است. به تعبیری «نتیجه درماندگی تمدن غیر غربی در برابر تحولاتی است که از پس مدرنیته همچون آوار بر سر ایشان فرو ریخته و در چگونگی آشتی دادن آن با سنت‌های خویش حیران‌اند» (داریوش شایگان در بیان این چالش رتوضیح می‌دهد که قریب به یک قرن، جوامع اسلامی و به‌ویژه ایران در کشاکش میان سه‌گانه هویت دینی، هویت ملی و هویت مدرن سیر می‌کنند (شایگان، ۱۳۸۷). تأکید بر تعامل یا تقابل با غرب به عنوان شالوده تعریف جریان‌های معاصر، در عمل بسیاری از آنها را به جریان‌های واکنشی فروکاسته است. (شکل ۲)

جریان‌های فلسفی معاصر در کشورهای اسلامی بر هویت‌های سه‌گانه جوامع اسلامی در دنیای معاصر در قالب‌های سه‌گانه ۱. سنت‌گرایی، ۲. ملی‌گرایی و ۳. تجددطلبی، تأکید داشته‌اند؛ سه‌گانه‌ای مبتنی بر ریشه نظری جریان‌های فعال در تولید فکر و اندیشه در جامعه. این سه حوزه در ساحت طراحی معماری به سه جریان ۱. سنت‌گرایی، ۲. ملی‌گرایی و ۳. تجددطلبی ترجمه شده است. جریان‌های ترکیبی به دنبال پاسخ به این پرسش بوده‌اند که با چه تدبیری می‌توان این سه قلمرو را در کنار یکدیگر قرارداد بی‌آن‌که یکدیگر را حذف کنند؟ البته لازم به

آلایش‌ها و خدشه‌هایی دچار شود و ضعف‌ها و فقرهای فرهنگی و بیانی آشکار در آن راه یابد. اولین «تهاجم» آرمان‌های هنری غرب به سرزمین ما مربوط به ظهور «نهضت مدرنیسم» و معماری مدرن است. از عصر دکارت تا زمان کانت، حکمت عقلگرا و روند خردورزی در تفکر و نظر کردن به پدیده‌ها قوام یافت. آنگاه علمی شدن اندیشه‌ها آن هم در قالب‌های اقتصادی تعیین شده با پشتوانه‌های «سوسیالیسم نوظهور»، نوعی از معماری را در غرب به وجود آورد که دیگر مجالی برای بروز آرمان‌های هنری گذشته باقی نمی‌گذاشت» (دیبا، ۱۳۷۴: ۴۶). از این رو می‌توان همچون اندیشه‌های سوسیالیستی-کمونیستی به بدنه‌های دانشگاهی، در کنار تجددگرایی بدون پشتوانه تاریخی را مهم‌ترین عامل گسست هنر معاصر ایران از گذشته تاریخی و شکوهمند خود دانست.

معماری معاصر کشورهای اسلامی در رویارویی با پدیده جهانی شدن با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است، چالشی که در کتاب‌های معاصر از آن با عنوان «بحران هویت» یاد می‌شود. گرایش به منطقه‌گرایی در معماری کشورهای در حال توسعه یکی از اصلی‌ترین رویکردهای معماری جهان اسلام به شمار می‌آید. کشاکش بین سنت و مدرنیته جریان‌های اصلی معماری در این جوامع را تعریف کرده است. «سنت می‌تواند به شکل بسیار هوشمندانه‌ای در قالب شکل معماری و تزئینات جلوه‌گر شود. آقاخان با درک این مطلب اشاره می‌کند که نباید سنت، تنها در قالب پوسته‌ای بر نمای بنا تجلی یابد» (کاملنیا و مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۷۹).

موضوع هویت، یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشورهای اسلامی به‌خصوص در منطقه غرب آسیا و شمال افریقا محسوب می‌شود. گرایش به هویت و تلاش برای دست‌یابی به یک معماری با هویت، جریانی کلیدی در معماری معاصر کشورهای اسلامی به شمار می‌رود. کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس مانند عربستان سعودی با اقتصادی رو به رشد در دهه‌های اخیر، اکنون بستر ساخت و سازهای عظیمی است که معماری معاصر آن را بیش از هر زمان دیگر با چالش هویت و اصالت روبه‌رو کرده است (مهدوی‌نژاد و سعادتجو، ۱۳۹۳: ۷۵). احیای هویت بومی در ظاهر موضوعی ساده است، که معماران کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس تلاش کرده‌اند با «تقلید ظاهری» آن را تأمین کنند، اما این مهم در عمل موفق نبوده است. به عبارت دیگر «تجلی صورت بر اساس مبانی نظری و ادراکی عمیق از مفاهیم اسلامی می‌تواند به تجلی و حفظ هویت اسلامی آثار کمک نماید. هرچند تقلید صورتی صرف از الگوها به ایجاد خوانایی فضایی و شکلی هماهنگ با اصول زندگی مسلمانان کمک می‌کند اما احیای هویت تنها در سایه بهره‌گیری از الگوها و مفاهیم و تسلط بر مبانی نظری اسلامی محقق خواهد شد» (مهدوی‌نژاد و سعادتجو،

معاصر جهان، به یک جریان غالب تبدیل شود.

انگاره‌های پست‌مدرن، به ایجاد رابطه بهتر و فعال‌تر با سفارش‌دهندگان معماری، کمک کرده است. چنان‌که کثرت پروژه‌های طراحی‌شده با این رویکرد و مقبولیت آن از سوی دولت‌های کشورهای اسلامی به جهت سرمایه‌گذاری‌های تجاری و اقتصادی خود می‌تواند مؤید این مطلب باشد. (شکل‌های ۳، ۴ و ۵)

مروری بر سابقه تحقیق بر اهمیت «تجدیدحیات‌گرایی» در معماری معاصر ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تأکید می‌نماید. بازشناسی گرایش‌های تجدیدحیات‌گرایانه و هویت‌گرا در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فرصتی را برای بازاندیشی در معماری معاصر ایران فراهم می‌سازد. مطالعات صورت گرفته، نشان دهنده آن است که گرایش‌های تجدیدحیات‌گرایانه را می‌توان یکی از مهم‌ترین گرایش‌های موجود در معماری معاصر ایران دانست. گرایش به احیای هویت ایرانی - اسلامی یکی از مهم‌ترین اهداف این جریان است که با تأکید بر شیوه‌ها و تکنیک‌های مختلف طراحی معماری به اجرا درآمده‌اند. (مهدوی‌نژاد، خبری و عسکری مقدم، ۱۳۸۹: ۹۵)

تحلیل کالبدی محتوایی بناهای امروزی شهرها در کنار بررسی رویکردهای معماری معاصر ایران نشان از آسیب‌های فراوان «ساخت و ساز بدون اندیشه» دارد. از این رو گرفتار شدن در دام عملگرایی بدون تفکر، و فکر کردن بدون عمل، بحرانی جدی را فراهم آورده است (دیبا، خادمزاده، شایان و دیگران، ۱۳۸۵). در نگاه جامع‌تر می‌توان آسیب‌های ضعف نظریه‌پردازی در معماری



شکل ۳. ساختمان قوه قضاییه در خیابان شیخ بهایی به عنوان نمونه‌ای التقاطی، ترکیبی از معماری رومی وار و سبک بازارپسند را در هم آمیخته است، نمونه‌ای که در برخی دیگر از آثار معماری معاصر ایران در حوزه طراحی دولتی مشاهده می‌شود. (منبع: نگارنده)



شکل ۲. تبارشناسی ریشه‌های تأکید بر هویت گذشته در میانه سده ۱۳۰۰.

ذکر است که این دغدغه، مانند بسیاری از دغدغه‌های دیگر، از جریان نواندیشی در ساحت حکمت و فلسفه توسط اندیشمندان و متفکران معاصر جوامع اسلامی مطرح شده، سپس به ساحت هنرهای زیبا آمده است. در ایران در دوره پهلوی اول، و در ترکیه در دوره آتاتورک، ملی‌گرایی مبتنی بر غرور، در بین سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰، دستور زبان معماری ترکیه، ایران و سایر جوامع اسلامی می‌شود. (شیرازی و یونسی، ۱۳۹۰) آنچه در دوران پهلوی اول در ایران، آتاتورک در روسیه و ظاهرشاه در افغانستان شاهد هستیم، ترویج ملی‌گرایی در اندیشه، و به تبع آن در هنر و معماری است. التقاط‌گرایی، جریانی غالب در معماری معاصر کشورهای اسلامی محسوب می‌شود. کشورهای تازه استقلال‌یافته مانند مالزی در پی ساخت این هویت حتی استفاده از التقاط‌گرایی به‌مثابه سبک را به عنوان رویکرد نوین و غالب معماری می‌پذیرند. هنگامی که عناصر و اجزای متنوع یک بنا که هر یک شاخصه سبک، دوره، فرهنگ و اقلیم مختلف هستند، در یک اثر معماری با یکدیگر ترکیب شوند آن اثر را التقاطی می‌نامند. واژه «التقاط» در ادبیات اغلب جوامع کهن دارای بار منفی است. علت این نوع ارزش‌گذاری را باید در تلقی خاص جوامع سنتی از مفهوم «هویت» جست‌وجو کرد. «هویت» در جوامع یاد شده به معنای «اصالت» است که با گذر زمان و در طی قرون و اعصار شکل می‌گیرد (ذکرگو، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

رامین جهاننگلو در توضیح این نوع التقاط‌گرایی پست‌مدرن بیان می‌دارد که هدف بر این بوده است تا «از طریق پرسش از ارزش‌های خود و دیگری هم بدون آرمان‌سازی و هم بدون نفی، می‌توان به ترکیب متعادل رسید» (جهاننگلو، ۱۳۸۰: ۵۰). پرسش‌های اساسی جهان معاصر، در این نگاه بی‌پاسخ می‌ماند، به همین دلیل جریان التقاط‌گرایی پست‌مدرن نتوانست در هنر

به طور کلی رویکردهایی که به طور عمده در کشورهای اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم (کامل نیا و مهدوی نژاد، ۱۳۹۳) را می توان شامل موارد زیر دانست:

۱. شکل معماری سنتی با عملکرد معماری مدرن: شکل گرایي صوری از معماری گذشته، پوسته های با ظاهر سنتی با محتوای یک معماری بین المللی آمیخته است.

۲. برداشت حسی از سنت با فناوری معاصر: در رویکرد دوم درک حسی معماری اسلامی با استفاده از فناوری مدرن برای تلفیق آن با مصالح جدید، فناوری و تولیدات جدید و استفاده از فرصت های عصر ماشین برای غنای روش های ساختمان سازی استفاده شده است.

۳. شکل و فرم سنتی با فناوری معاصر: رویکرد سوم توأم با استفاده از الگوهای اسلیمی، هندسی و غیره بوده، که استفاده از ابزارهای فناورانه معاصر در آن تشویق شده است.

رویکردهای اصالت محور، فن گرا، مکان محور و گذشته گرا؛ در حوزه تجدید حیات گرایي از جریان های شاخص محسوب می شوند که به نحوی تمامی این مفاهیم را طراحان به شکل های متنوع به کار گرفته اند. جریان های اصلی معماری معاصر کشورهای اسلامی عبارتند از:

۱. جریان هایی که بر «کالبد» اثر معماری تأکید دارند، مانند: الف. مدرن تجددگرا، ب. سنت گرایي ستیزه جو، پ. کویسم حجم گرا، ت. یادمانگرایي فناورانه و ث. منطقه ای انتقادی؛
۲. جریان هایی که بر «بوم شناختی» تأکید می کنند، مانند: الف. زیست گرایي و ب. توسعه بومی؛ ۳. جریان هایی که بر احساس «نوستالژیک» نسبت به گذشته تأکید دارند، مانند الف. هویت گرایي عملگرا، ب. بازسازنده گرایي، پ. بازتابنده، ت. عمل گرای غير مدرن و ث. پست مدرن منطقه ای.

چارچوب نظری پژوهش به تعامل اثر و مخاطب در بستر شکل گیری اثر هنری اشاره دارد (مهدوی نژاد، ۱۳۹۳). بر اساس مبانی روش شناختی، در بررسی «ماهیت زیبایی شناسی» یک اثر هنری، فرم در ارتباط با زمینه معنا می شود. (فهیمی فر، ۱۳۸۶: ۳۱) زیبایی را نمی توان تعریف کرد، به تعبیری درک می شود اما توصیف نمی شود (فهیمی فر، ۱۳۸۳). از این رو نکته مهم در اثر هنری، ماهیت زیبایی شناسانه است و یک اثر، با استفاده از نشانه های متعدد، معنای خاص خود را به مخاطب منتقل می کند. چارچوب نظری پژوهش بر اساس نظریه معماری سرآمد (مهدوی نژاد، ۱۳۹۸) بنا نهاده شده است و در آن در بررسی اثر معماری، پنج متغیر کلیدی مورد پرسش قرار می گیرد که عبارتند از:

۱. اصول ساختاردهنده طرح (کانسپت، کلیت و شاکله طرح)

و شهرسازی معاصر ایران را جدی دانست، همان موضوعی که محمدرضا پورزرگر (۱۳۷۹) از آن با عنوان «بحران شکل گیری اندیشه در معماری معاصر ایران» یاد می کند. به عبارت دیگر مهم ترین بحران در شهرهای امروزی ما، «خلا توریک» و نداشتن پشتوانه نظری برای فعالیت هایی است که انجام می شود؛ درست همان چیزی که مانع تمدن سازی در تعاملات امروز جامعه محسوب می شود.

چارچوب نظری پژوهش

بر اساس جمع بندی ادبیات موضوع و پژوهش های گذشته،



شکل ۴. تأکید بر تدیس گرایي و گرایش به فرم های انتزاعی همراه با تزئینات افزوده مشهور در سبک پست مدرن در ایران مال یا بازار بزرگ ایران. (منبع: نگارنده)



شکل ۵. اراضی عباس آباد به عنوان محلی که در آن ساختمان های مهم دولتی قرار گرفته نمودی از گرایش ساختمان های دولتی به پست مدرن رنگی اروپایی همراه با نمایش بی تفاوتی به بستر و محیط طراحی در معماری معاصر ایران است. (منبع: نگارنده)

روش تحقیق

موضوعات اساسی پژوهش، مقوله‌های معمارانه‌ای هستند که در ساحت طراحی و از نگاه «فلسفه هنر» قابل تعریف‌اند. از این رو در بیان آنها مهم‌ترین اصل، میزان کارایی نظریه‌های رقیب، یا به عبارت دیگر میزان پاسخگویی هر یک از رویکردها به مقوله‌های پنجگانه از نظر کمی و کیفی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. پارادایم تحقیق «آزادپژوهی» است. بر اساس تقسیمبندی‌های متداول روش‌های تحقیق در معماری، پارادایم آزادپژوهی در حوزه‌های نقد معماری، از کارایی بالاتری برخوردار است (گروت و وانگ، ۱۳۹۸). راهبرد اصلی پژوهش «استدلال منطقی» است که در آن از روش تحقیق «توصیفی-تحلیلی» استفاده می‌شود. نحوه امتیازدهی بر اساس طیف لیکرت انجام می‌شود که میزان حضور یک ایده در مبانی نظری از یک سو؛ و میزان توجه معماران و طراحان به آن از سوی دیگر، مورد بررسی قرار می‌گیرد. (جدول ۲)

جدول ۲. جدول تحلیل بناها و آثار مربوط به جریان‌ها و گرایش‌ها بر اساس طیف لیکرت.

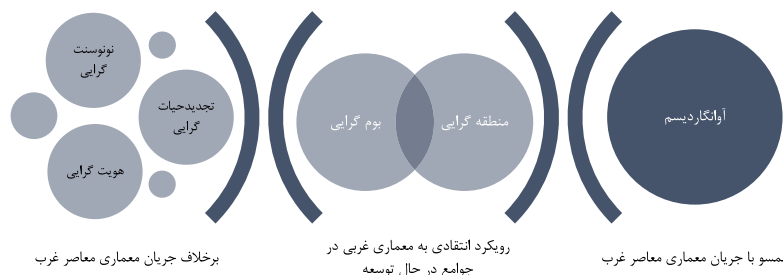
| مقیاس عددی در طیف لیکرت | مفهوم مقیاس | توضیح مفهوم |
|-------------------------|-------------|--|
| ۱ | خیلی کم | با اولویت ویژه مورد توجه نظریه‌پردازان قرار گرفته است. |
| ۲ | کم | در حد قابل قبول مورد توجه نظریه‌پردازان قرار گرفته است. |
| ۳ | متوسط | مورد توجه نظریه‌پردازان یا طراحان بوده، اما اصرار نشده است. |
| ۴ | زیاد | به عنوان یک موضوع حاشیه‌ای مورد توجه قرار گرفته است |
| ۵ | بسیار زیاد | به صورت جدی مطرح نشده یا در متن‌ها و آثار اصلی مورد توجه نبوده است |

۲. فناوری ساخت (روش ساخت و آن چیزی که مفاهیم ساختارهای فضایی از طریق آن درک می‌شود).
 ۳. شکل و فرم (برداشت دویبعدی و سه بعدی از مجموعه در برداشت مخاطب)
 ۴. مواد و مصالح (مواد به کار رفته و روش ساخت)
 ۵. رابطه با محیط پیرامون (نحوه اتصال اثر معماری با بافت پیرامون و همسایگان)
 معماری به عنوان یک «اثر هنری» به طور همزمان در ساحت کالبد و محتوا درک می‌شود. عناصر مادی ارجاعی معنوی دارند و عناصر معنوی ارجاعات مادی. از این رو هر یک از این عوامل پنجگانه هم به مفاهیم والا اشاره دارند و هم به مفاهیم ملموس. به عنوان نمونه مقطع طرح، آن چیزی که مخاطب در زمان حضور در فضا درک می‌کند؛ از سویی از عناصر مادی تشکیل شده است، از سوی دیگر، بیان‌کننده «فضا» و «مکان» به عنوان عناصر معنوی است.

بر اساس رویکرد تحلیلی پیشنهادی در نظریه معماری سرآمد، چارچوب تحلیلی پژوهش و پنج پارامتر اصلی ادبیات تخصصی در پژوهش بازشناسی گرایش‌های تجدید حیات‌گرایانه و هویت‌گرا در معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کار گرفته شده است. (جدول ۱)

جدول ۱. جدول تحلیل بناها و آثار مربوط به جریان‌ها و گرایش‌ها.

| | معیارهای سنجش | نظریه-مبانی | عمل-آثار | توضیح |
|---|-----------------------|-------------|----------|-------|
| ۱ | اصول ساختاردهنده طرح | | | |
| ۲ | فناوری ساخت | | | |
| ۳ | شکل و فرم | | | |
| ۴ | مواد و مصالح | | | |
| ۵ | رابطه با محیط پیرامون | | | |



شکل ۶. منطقه‌گرایی حد واسط آوانگاردیسم و نو سنت‌گرایی، منطقه‌گرایی از دیدگاه فرامپتون.

و بستر فرهنگی به‌ویژه با نگرش به معماری مدرن فراهم آورده است. در پی نوعی معماری که «قابلیت تأکید و تمرکز بر ویژگی‌ها و قابلیت‌های هنری منطقه را دارد، در عین حالی که تأثیرات فرهنگی بیرون منطقه را بازخوانی می‌کند» (نسبیت، ۱۳۸۶: ۱۳۴). منطقه‌گرایی انتقادی معادل معماری مقاوم در برابر استانداردهای جهانی، یکنواختی فرهنگ و تنزل مقام مدرنیسم می‌توان در نظر گرفت. منطقه‌گرایی به عنوان واسطه‌گر به جهت حفظ ایدئال‌های آنچه فرهنگ بوده و هست (Wu & Gutschow, 2006). منطقه‌گرایی به عنوان حد واسط بین آوانگاریسم و نوسنت‌گرایی تعریف شده که با ترکیب امر محلی و امر جهانی به‌صورت توأمان با نگاه به آینده و گذشته در بستری مستقل شکل گرفته است. (شکل ۷)

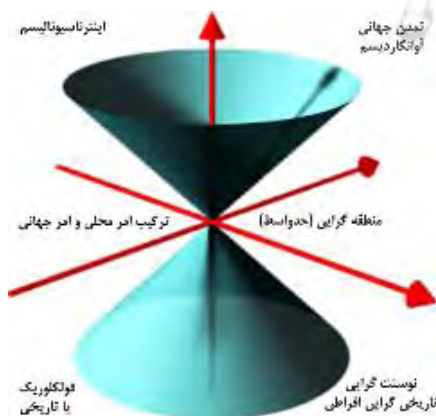
فرایند خلاقیت معماران در شرح وابستگی‌شان به طبیعت، زمینه، بستر فرهنگی و سنت‌های بومی به‌مثابه شریک فرهنگی عقلانیت مدرنیسم مطرح می‌شود که برون‌زاد آن دستور زبان معماری منطقه‌گرایی می‌شود. تبارشناسی استراتژی‌های طراحی و رویکردهای معاصر در بهره‌گیری از الگوهای بومی جوامع نشان می‌دهد «نگاه نوآورانه و مبتنی بر فناوری‌های نوین به مفاهیم خاص منطقه‌ای، اصلی‌ترین روش بازنمود منطقه‌گرایی است که به‌وسیله معماران در زمینه‌های بیگانه تجربه‌شده است. توجه به فناوری یا در قالب نمایش پوسته‌ای در بیرون بنا و یا در چارچوب پوسته‌ای در بیرون بنا و یا در چارچوب فرآیندهای برنامه‌ریزی و ساخت موردتوجه معماران غیربومی قرار می‌گیرد» (شایان، عینی فر و دیبا، ۱۳۸۸) نگاهی نزدیک به معماری در پهنه‌ای به وسعت شمال آفریقا تا بخش عظیمی از غرب آسیا، به‌ویژه نمونه‌های اولیه منطقه‌گرایی انتقادی نشان می‌دهد ترکیب آموزه‌های مدرن با سنت

با توجه به گستردگی بحث، برای حفظ اختصار، در این مقاله تحلیل جریان منطقه‌گرایی انتقادی به عنوان یکی از جریان‌های مؤثر در نیمه دوم قرن بیستم در کشورهای اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

تحلیل نمونه موردی

صاحب‌نظرانی چون لوئیس مامفورد^۱ در دهه ۵۰، الکساندر تزونیس^۲ و لیان لفور و کنت فرامپتون^۳ در دهه ۸۰ با طرح منطقه‌گرایی انتقادی به تبیین معماری این جوامع پرداختند (کرتیس، ۱۳۹۳). وینسنت کانیزارو^۴ با انتشار کتاب «منطقه‌گرایی معماری؛ مجموعه‌ای از نوشتار در زمینه مکان، هویت، مدرنیته و سنت»^۵ در سال ۲۰۰۷، با رویکردی جامع و به‌صورت منسجم طیف گسترده‌ای از رویکردهای منطقه‌گرا، به تبیین مفهوم و گونه‌های متعدد منطقه‌گرایی در معماری معاصر پرداخته است. رویکردهای مختلف ارائه‌شده، به‌وجه مختلف و تعبیر گوناگونی از مفهوم منطقه‌گرایی در معماری اشاره می‌کنند. (مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۲) نقطه اشتراک این رویکردها در انتقاد به نسخه واحد جهانی و استانداردسازی در خدمت نظام سرمایه‌داری بدون توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های قومی ملیتی هر سرزمین است. مجموعه‌ای از مقالات و نوشتارها در زمینه معماری بومی، بازشناسی فرهنگی و اجتماعی، مکان؛ هویت؛ مدرنیته و سنت، پایداری و غیره، به عنوان گفتمان معماری انتقادی در معماری جوامع در حال توسعه در برابر جهانی‌شدن تبدیل شد. «تعامل و تقابل منطقه‌گرایی و جهانی‌شدن در معماری معاصر تأثیرات قابل توجهی بر تغییرات معماری و شهرسازی در دوره معاصر گذاشته؛ به‌طوری‌که منطقه‌گرایی به عنوان رویکردی با تعامل زیاد با بستر فرهنگی بومی و عامل ایجاد حس مکان در مقابل رویکرد جهانی معماری و فرامکانی قرار گرفت» (مهدوی‌نژاد و جعفری، ۱۳۹۲: ۵۹) به همین دلیل دورویکرد تندروری و کندروری در برابر توسعه غرب، در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا همواره دارای اهمیت بوده است. (شکل ۶)

فرم مدرن با مفهوم سنتی شعاری بود که منطقه‌گرایی انتقادی بر آن اصرار داشت (مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۰). گرایش به منطقه‌گرایی نسخه غالب اندیشمندان و متفکران غربی برای کشورهای در حال توسعه و جوامع اسلامی در برابر تحولات جهانی است. از این رو منطقه‌گرایی در معماری را می‌توان، نسخه مدرنیستی تعدیل‌یافته‌ای برای کشورهای در حال توسعه دانست که از آن به عنوان «مبارزه مدرن در برابر مدرن» یادشده است (Tzonis, 2003: 11). منطقه‌گرایی را می‌توان به عنوان رویکردی در بستر مدرنیته تعریف کرد که با وام گرفتن عناصر بومی جهت تأمین اهداف کارکردی بستر مناسبی را جهت بحث تعامل معماری



شکل ۷. مفهوم منطقه‌گرایی به عنوان حد واسط آوانگاریسم و نوسنت‌گرایی، اینترناسیونالیسم و فولکلوریک.

که از کنار، طرح چترهای کاغذی تزئینی چینی را به یاد می‌آورد و از فراز به یک شمشه یا ستاره ۱۶ گوشه شبیه است. سطوح شیبدار گنبد با شیروانی‌های طاق مساجد سنتی بی‌ارتباط نیست و حس بناهای شرق دور به‌خصوص چین، بر گنبد چترمانند این مسجد حاکم است که از ارتباط تنگاتنگ تاریخی میان مالزی و شرق دور حکایت می‌کند (ذکرگو، ۱۳۹۴: ۱۰۴). به عبارت دیگر، نمای مسجد نگارا با گنبد چتری آبی و منارهای با سرمنارهای به شکل چتر بسته، نمونه‌ای از استفاده از فرم‌ها انتزاع شده از بوم، برای کاربرد در طراحی یک بنای سنتی مانند مسجد است. (شکل ۸)

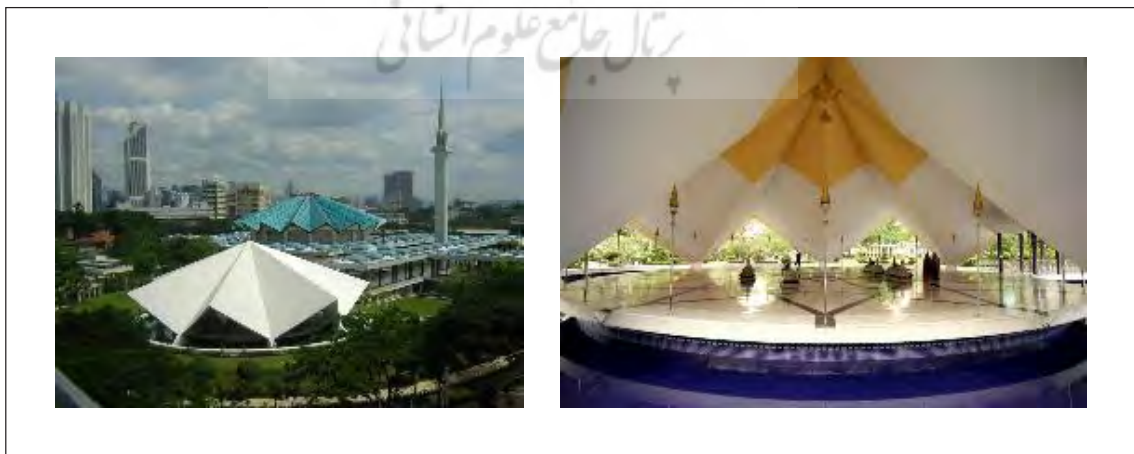
یکی از مهم‌ترین موضوعات در تحلیل جریان‌ها به‌خصوص منطقه‌گرایی، موضوع التقاط و التقاط‌گرایی است. شتابی که بر همه وجوه زندگی فردی و اجتماعی و به تبع آن هنر و معماری سایه افکنده، پیشبینی در مورد آینده را دشوار می‌کند. اظهار نظر قطعی در مورد رخدادهای آینده‌های پرشتاب و پرتنوع، خردمندانه نخواهد بود. مهم این است که پدیده نوپای «التقاط» را در معماری مسجد دست کم نگیریم (ذکرگو، ۱۳۹۴: ۱۰۷). حضور سرمایه‌های عظیم و دلارهای نفتی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، خود عاملی در توسعه التقاط و التقاط‌گرایی در معماری معاصر کشورهای اسلامی بوده است.

کاستی اصلی نظریه‌های منطقه‌گرا، ضعف در نگاه معنوی به معماری است. سیر تحول منطقه‌گرایی نشان می‌دهد که نسخه مدرنیستی معماری منطقه‌گرا برای کشورهای در حال توسعه، در پی تغییر شکل و انطباق با شرایط جدید جهانی و پارادایم‌های معاصر؛ دارای ضعف‌هایی است که نمی‌تواند همچنان مخاطبان خود در این کشورها داشته باشد. (جدول ۳)

محلی، توجه به مکان و فناوری، به عنوان دستور زبان ناحیه‌گرایی اصیل معرفی می‌شود (کرتیس، ۱۳۹۰). تأکید بر این امر را می‌توان به این خاطر دانست که «از میان مؤلفه‌های تعامل با محیط، فرهنگ به دلیل پیچیدگی‌هایی که در ساختار خود دارد چندان مورد توجه معماران غیربومی قرار نداشته است. این زبان معماری در ارتباط با بستر فرهنگی، فناوری را به عنوان ساختاری اجتماعی جهت تعامل با طبیعت در چارچوب انضباط می‌نگرد و آن را جزء تجربیات یک مکان می‌داند. در شرایط معاصر بر روابط میان فرهنگی (دنیای چند فرهنگی)، فناوری به عنوان مهم‌ترین مشخصه چنین شرایطی، مهم‌ترین نقش را در تعریف معیارهای این‌گونه از منطقه‌گرایی بر عهده دارد (شایان و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۶).

یکی از کاستی‌های مهم این نظریه در برخورد با معماری به عنوان یک اثر هنری، ضعف در بررسی‌های مفهومی و جداافتادن از سیر تحول تاریخ معماری معاصر است. در عمل، منطقه‌گرایی، متناسب با ساختارهای تفکر حاکم، با پسوندهای مکملی همراه گشته که رویه عملی آن را مشخص می‌کند.

به عنوان نمونه طراحی شده در این جریان می‌توان به مسجد نگارا (Masjid Negar) اشاره کرد. امیرحسین ذکرگو (۱۳۹۴) در معرفی این مسجد مشهور می‌آورد که مسجد نگارا در سال ۱۹۶۵ میلادی، هشت سال پس از استقلال مالزی از استعمار انگلیس بنیاد نهاده شد. مسجد نگارا یا مسجد ملی یکی از شاخصترین آثار معماری مسجد در مالزی است. این مسجد در زمینی به وسعت ۵۳۱۱۱ متر مربع بنا شده و گنجایش ۱۵۱۱۱ نمازگزار را دارد. در طرح آن تالشی جدی و متفکرانه برای انتقال از عرصه سنت به وادی تجدد دیده میشود. گنبدی چتری شکل با ۳۵ تا دارد

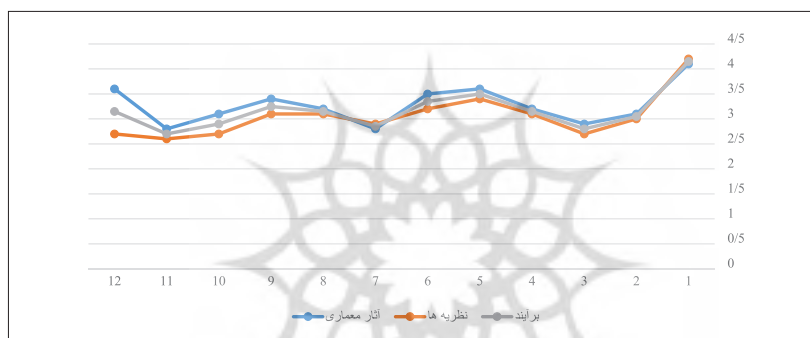


شکل ۸. مسجد نگارا مشهور به مسجد ملی مالزی از آثار منطقه‌گرایی انتقادی که تحت تأثیر بومی‌گرایی شرقی قرار دارد.

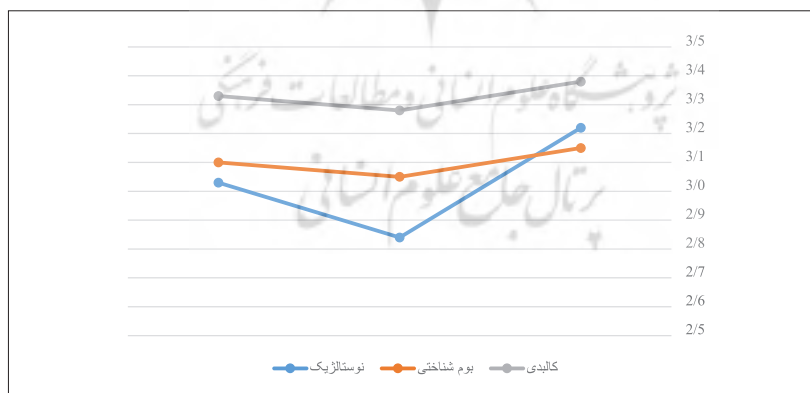
(منبع: <http://www.kuala-lumpur.ws>)

جدول ۳. تکمیل جدول تحلیلی برای جریان منطقه‌گرایی انتقادی.

| معیارهای سنجش | نظریه-مبانی | عمل-آثار | توضیح |
|-------------------------|-------------|----------|---|
| ۱ اصول ساختاردهنده طرح | ۵ | ۴ | توجه خاص به مفهوم و کانسپت طراحی برای زدن پل میان گذشته و آینده |
| ۲ فناوری ساخت | ۳ | ۳ | فناوری ساخت مورد توجه بوده اما آثار این جریان را نمی‌توان پیشرو در کاربرد یا عدم کاربرد فناوری دانست |
| ۳ شکل و فرم | ۴ | ۵ | فرم اثر معماری در این جریان مورد تأکید قرار گرفته و در عمل با کمک آنها در جهان معماری شناخته می‌شوند |
| ۴ مواد و مصالح | ۴ | ۴ | مواد و مصالح ساختمانی از موضوعات مورد بحث در این جریان است و توصیه به کاربرد بتن و شیشه در آن دیده می‌شود |
| ۵ رابطه با محیط پیرامون | ۲ | ۱ | بر اساس نوعی رویکرد یادمانی و مونومان‌تال، آثار اغلب بی‌تفاوت نسبت به محیط پیرامون طراحی و ساخته شده‌اند |
| برآیند | ۳/۶ | ۳/۴ | منطقه‌گرایی انتقادی با کسب نمراتی بیشتر از میانگین، توانایی خود را به عنوان یک جریان قوی نشان می‌دهد. |



شکل ۹. مقایسه وضعیت نظریه‌ها و آثار معماری معاصر کشورهای اسلامی در مقایسه با عوامل پنجگانه پیشنهادی در نظریه معماری سرآمد.



شکل ۱۰. برآیند سه عملکرد سه جریان رقیب در حوزه نظر و عمل.

می‌شوند. (شکل‌های ۹ و ۱۰) به نظر می‌رسد که تمامی سه جریان اصلی و زیرمجموعه‌های فرعی آنها، در عمل نتوانسته‌اند به جامعیت مورد انتظار دست یابند. درک بنای معماری به عنوان یک اثر هنری، تنها راه پیوند

بحث و نتیجه‌گیری

در تحلیل داده‌ها، تمامی جریان‌های معماری فعال در معماری معاصر کشورهای اسلامی، در کنار یکدیگر دیده

جدول ۴. تحلیل مهم‌ترین کاستی‌های نظریه‌های رقیب در تجدید حیات‌گرایی.

| مهمترین نقطه ضعف | موضوع بحث | کلیدواژه‌ها | عمل - آثار | نظریه - مبانی | معیارهای سنجش | رویکرد | |
|----------------------|---|--|-------------------------------------|---------------|-----------------------|-------------------|----|
| کالبدی | درک ارزش گذشته و تاریخ | تقابل و دوگانگی سنت و تجدد | ۴/۲ | ۴/۱ | مدرن تجددگرا | ۱ | |
| | نقی پیشرفت‌های معاصر | انتقاد به مدرنیسم | ۳ | ۳/۱ | سنت‌گرایی ستیزه‌جو | ۲ | |
| | سردی و خشکی | خلوص حجمی | ۲/۷ | ۲/۹ | کوبیسم حجم‌گرا | ۳ | |
| | ظاهری بودن | فناوری مدرن در قالب سنتی | ۳/۱ | ۳/۲ | یادمان‌گرایی فناورانه | ۴ | |
| | نگاه به حال | دوگانگی منطقه و جهان | ۳/۴ | ۳/۶ | منطقه‌ای انتقادی | ۵ | |
| زیست‌شناسانه-فرم‌گرا | برخورد شکلی با محیط زیست | سامانه‌های طبیعی | ۳/۲ | ۳/۵ | زیست‌گرایی | ۶ | |
| | نگاه محدود به گذشته تاریخی | تکرار فرم‌ها سنتی و محلی | ۲/۹ | ۲/۸ | توسعه بومی | ۷ | |
| فرم‌سازانه-رک | تأکید بر هویت به معنای گذشته تاریخی | فرهنگ و هویت منطقه‌ای | ۳/۱ | ۳/۲ | هویت‌گرایی عمل‌گرا | ۸ | |
| | تلاش برای احیای شکلی فرم‌های گذشته | نیاز به بازسازی مجدد فرم‌ها و نشانه‌ها | ۳/۱ | ۳/۴ | بازسازنده‌گرایی | ۹ | |
| | تقلیل معماری به بازتابنده زمینه اثر | فرم و رفتار بارز هر منطقه | ۲/۷ | ۳/۱ | بازتابنده | ۱۰ | |
| | تأکید بر ساده‌سازی همراه با ارزان‌سازی و کاهش کیفیت | کارایی بدون پرداخت فرمی و حجمی | بازسازنده احیاگر با نگاه ارزان‌سازی | ۲/۶ | ۲/۸ | عمل‌گرای غیرمدرن | ۱۱ |
| | برخورد شکلی و سطحی با موضوعات عمیق طراحی | توصیه به کاربرد تزیینات سنتی | استفاده دوباره از تاریخ | ۲/۷ | ۳/۶ | پست مدرن منطقه‌ای | ۱۲ |
| | | | | | | | |

اسلامی برشمرد. از نظر تاریخ علم، می‌توان پیش‌بینی کرد که در نیمه دوم قرن بیست و یکم، با قوت گرفتن نظریه‌های معناگرا در جهان معماری، شاهد دگردیسی نظریه‌های متداول و حرکت از رویکردهای کالبدی، به رویکردهای معناشناختی با جوهره بوم‌شناختی و تأکید بر عوامل غیرمادی و مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و معنوی خواهیم بود. به عبارت دیگر، در معماری به‌جای تأکید بر مؤلفه‌های ملموس و مادی کالبدی و بوم‌شناختی، بر مؤلفه‌های غیرملموس و معنایی مانند برسازهای اجتماعی، فرهنگی، هویت، حس مکان، تعلق پذیری و غیره تأکید می‌شود. توسعه یافتن و مطرح شدن نظریه معماری سرآمد به عنوان یکی از نظریه‌های معناگرا، زمینه ساز نوعی «کیفی‌سازی» و دگردیسی کیفی در معماری معاصر کشورهای اسلامی خواهد بود؛ به نوعی که این رویکرد می‌تواند مورد پذیرش جوامع توسعه‌یافته و اسلامی قرار گیرد. توجه ویژه نظریه معماری سرآمد به مفهوم منطقه و منطقه‌گرایی، فرصتی مناسب برای رشد و بالندگی است.

نتایج کلی پژوهش نشان می‌دهد که نظریه‌های مختلف مطرح شده، در مقایسه با جریان مدرن، همچنان ضعیف‌اند و نمی‌توانند

یافتن فرم و محتوا؛ و یا بنای معماری با مبانی نظری است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های شناسایی شده در برابر آینده معماری معاصر کشورهای اسلامی، مفاهیم دوگانه و تقابل‌های دوتایی نظیر پایبندی-واکنش، تقلید-نوآوری و سنت و تجدد است. جریان‌های فکری رایج هنوز به پرسش‌های خود از تاریخ‌گرایی، رمانتیسیسم ملی‌گرایانه، و نومی‌گرایی پاسخ نداده‌اند. (جدول ۴)

مطرح شدن نظریه‌های جدید اقلیمی و نگاه به پایداری، به طرح گفت‌وگوهای تازه در احیای معماری بومی دامن زده است؛ به گونه‌ای که شاهد رشد و گسترش نظریه‌هایی با رویکردهای بوم‌شناختی، با بازبینی در مصرف‌گرایی پست مدرن هستیم؛ موضوعی که بر کارآمدی نظریه معماری سرآمد در تعریف شرایط بهینه تأکید دارد. در زمان ورود جریان‌های پست مدرن، توسعه پایدار و الگوهای توسعه بومی بر مبنای اکولوژی، به عنوان دغدغه اصلی جوامع اسلامی مطرح نبود؛ در حالی که امروزه توجه به محیط زیست طبیعی در کنار توسعه شهرها مطرح شده است.

نتایج پژوهش تأکید دارد که حفظ هویت دینی و معناگرایی در دنیای معاصر را می‌توان از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع

و فرهنگ، تنها در جهت خودنمایی عمل می‌کند. بر اساس چشم‌انداز ترسیم شده توسط نظریه معماری سرآمد، با فروکش کرده اهمیت و جایگاه دلارهای نفتی در اقتصاد کشورهای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا؛ اندک اندک نقش این جریان کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

1. Lewis Mumford
2. Alexander Tzonis
3. Keteth Frampton
4. Vincent Canizaro
5. Architectural Regionalism: Collected Writings on Place, Identity, Modernity, and Tradition.

فهرست منابع

بمانیان، محمدرضا، مهدوی‌نژاد، محمدجواد و پیمان پیله‌چی‌ها (۱۳۹۶)، در جستجوی شهر آینده: روش‌های عددی و الگوریتم‌های بهینه‌سازی در ارتقاء کیفیت طراحی بوم‌سازگار، تهران: انتشارات شهرداری تهران- سازمان زیباسازی شهر تهران.

پورزرگر، محمدرضا (۱۳۷۹)، بحران شکل‌گیری اندیشه در معماری معاصر ایران، معماری و شهرسازی، صص ۶۰-۶۱.

پیشوائی، حمیدرضا، میرزانی، زهرا، و سینا زارعی حاجی‌آبادی (۱۳۹۹)، بررسی مقولات کلیدی در ادبیات معماری معاصر ایران: ۱۳۲۵-۱۳۹۴ ش ۱، صص ۳۰ (۲): ۱۷-۴۴. doi: ۲۹۲۵۲/۱۰/soffeh/۱۷/۲۰۲۰

جهانبگلو، رامین (۱۳۸۰)، *ایران و مدرنیته*، چاپ دوم، تهران: نشر گفتار.

دبیا، داراب (۱۳۷۴)، مروری بر معماری معاصر جهان و مسأله هویت، هنرهای زیبا، ۱ (۱): ۴۶-۵۸.

دبیا، داراب، خادم‌زاده، محمدحسن، شایان، حمیدرضا، کامل‌نیا، حامد و محمدجواد، مهدوی‌نژاد (۱۳۸۵)، بررسی رویکردهای معماری معاصر ایران: تحلیل کالبدی محتوایی بناهای دهه ۸۰-۶۰، معماری و شهرسازی، ۱۸: ۸۴-۲۹.

دبیا، داراب، خادم‌زاده، محمدحسن، شایان، حمیدرضا، کامل‌نیا، حامد و محمدجواد، مهدوی‌نژاد (۱۳۸۵)، بررسی رویکردهای معماری معاصر ایران: تحلیل کالبدی محتوایی بناهای دهه ۸۰-۶۰، معماری و شهرسازی، ۱۸: ۸۴-۲۹.

ذکرگو، امیرحسین (۱۳۹۴)، التقاط به مثابه سبک رویکردهای نوین در معماری معاصر مسجد در مالزی، *فیروزه اسلام*، ۱ (۱): ۱۰۱-۱۰۸.

شایان، حمیدرضا، عینی‌فر، علیرضا و داراب دبیا (۱۳۸۸)، مفاهیم طراحی در زمینه بیگانه: تحلیل منطقه‌گرایی در آثار معماران غیربومی در کشورهای مسلمان حوزه خلیج فارس، هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۳۸: ۴۹-۶۰.

شیرازی، علی اصغر و میلاد یونسی (۱۳۹۰)، تأثیر ملی‌گرایی بر معماری بناهای حکومتی دوره پهلوی اول، *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۴ (۱): ۵۹-۶۹.

فهیمی‌فر، علی اصغر (۱۳۸۶)، ماهیت زیبایی‌شناسی رسانه تلویزیون، *رواق هنر و اندیشه*، شهریور ۱۳۸۶: ۳۰-۴۵.

فهیمی‌فر، علی اصغر (۱۳۸۳)، نظریه‌های فلسفی شهید مطهری درباره هنر، *زیباشناخت*، ۱۱.

کامل‌نیا، حامد و محمدجواد مهدوی‌نژاد (۱۳۹۷)، *آشنایی با معماری معاصر از شرق تا غرب: بررسی مبانی، مفاهیم و ریشه‌های شکل‌گیری آن*، چاپ ششم، تهران: علم معمار.

به عنوان رقیب جدی برای تجددگرایی مطرح شوند. حتی جریان پست مدرن در معماری معاصر کشورهای اسلامی، توانسته است نسخه‌ای جدید در مقابل مدرنیسم ارائه دهد و به همین دلیل، مفهوم «عدم انسجام» که در متون معماری با عنوان بی‌هویتی شناخته می‌شود، همچنان ادامه یافته است. با نگاهی جامع به تبیین دیدگاه‌های متعدد موجود در سطح منطقه در جدول مقایسه‌ای، می‌توان به یک اشراف خوب دست یافت.

کاستی اصلی در نظریه‌های موجود در تبیین آینده معماری معاصر کشورهای اسلامی، رابطه میان چهار کلیدواژه اصلی مفهوم‌ساز در معماری یعنی هویت، مکان، فناوری و فرهنگ است. به نظر می‌رسد که هرکدام از تعاریف و نظریه‌های ارائه شده از مفهوم هویت تنها در یک ساحت یاد کرده‌اند و بقیه را به فراموشی سپرده‌اند. به عبارت دیگر نظریه‌های موجود به حدی در حال پاسخ دادن و رد نظریه‌های دیگر بوده‌اند که فراموش کرده‌اند رابطه دقیقی را میان مفاهیمی چون هویت، مکان، فناوری و فرهنگ در نظر بگیرند. نقطه ضعف جریان‌های موجود، ایجاد نوعی معماری واجد کیفیت‌های سه‌گانه فرهنگی، عملکردی و زیست‌محیطی است؛ نوعی تجربه زیبایی‌شناختی که در حالت تعادلی به نیاز مخاطب پاسخ دهد. در عمل در معماری معاصر کشورهای اسلامی، سه نگاه سنت‌گرایی، مدرن منطقه‌ای شده و نوعی معماری یادمانی سرمایه‌داری با رویکرد آوانگارد مطرح شده است. شواهد تحلیلی نشان می‌دهد که فضای کلی معماری معاصر کشورهای اسلامی به فضایی در بین آوانگاردیسم یادمانی، فضای سنت‌گرایی و فضای رهاشده تقسیم شده است.

نتایج حاصل از تحلیل‌ها، بیش از هر چیز، بر کارایی مدل مفهومی نظریه معماری سرآمد، برای تبیین دیدگاه‌ها و معماری معاصر کشورهای اسلامی دلالت دارد. نظریه معماری سرآمد چهار مفهوم اصلی (۱. معنا، ۲. زیبایی، ۳. عملکرد، و ۴. استحکام) را در قالب مفاهیم پنج‌گانه (۱. اصول ساختاردهنده طرح، ۲. فناوری ساخت، ۳. شکل و فرم، ۴. مواد و مصالح، و ۵. رابطه با محیط پیرامون) معرفی شده تبیین می‌کند. مهم‌ترین کاستی نظریات موجود، همان نگاه محدود و سطحی است و این مهم در نظریه معماری سرآمد برطرف شده است.

نظریه معماری سرآمد، آینده معماری معاصر کشورهای اسلامی در تعادلی میان این مفاهیم معرفی می‌کند و انتظار دارد از نیمه قرن بیست و یکم، اندک اندک این جریان به عنوان یک جریان اصلی مطرح شود. مهم‌ترین نقد قابل طرح به نظریه معماری سرآمد، از سوی جریانی قوی در منطقه مطرح می‌شود که به دلارهای نفتی وابسته است. این نگاه که در سطح جهانی با عنوان سندروم خاورمیانه شناخته می‌شود، نوعی معماری متکی به دلارهای نفتی است که بدون توجه به زمینه، محیط زیست

نسبت مفهومی نظریه معماری سرآمد با سایر جریان‌های هویت‌گرا در کشورهای در حال توسعه ■ محمدجواد مهدوی‌نژاد ■ صفحه ۳۶-۲۵

- کرتیس، ویلیام جی. آر. (۱۳۹۳)، *معماری مدرن از ۱۹۰۰*، ترجمه مرتضی گودرزی، چاپ چهارم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- گروت، لیندا و دیوید وانگ (۱۳۹۸)، *روش‌های تحقیق در معماری*، ترجمه علیرضا عینی‌فر، چاپ هفتم، تهران: دانشگاه تهران.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۰)، *سیر اندیشه‌های معماری*، چاپ سوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۲)، *تعامل و تقابل منطقه‌گرایی و جهانی شدن در معماری معاصر، پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۱(۱): ۵۹-۷۵.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۲)، *نسل جدید معماران معاصر جهان اسلام-رأسم بدران*، تصحیح انتقادی کتاب جیمز استیل، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی-واحد علوم و تحقیقات.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۳)، *معماری الگوریتمی؛ داده‌نگاری و روش‌های پیشرفته برنامه دهی مقاداری در فرآیند طراحی معماری معاصر*، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی-واحد علوم و تحقیقات.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۷)، *چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در حوزه هنر*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده چشم‌انداز و آینده‌پژوهی.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۸)، *معماری سرآمد: دستور زبان معماری آینده ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد و پریا سعادت‌جو (۱۳۹۳)، *هویت‌گرایی در معماری معاصر کشورهای اسلامی؛ نمونه موردی عربستان سعودی*،
- پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱(۳): ۷۵-۹۲.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد و فاطمه جعفری (۱۳۹۲)، *تعامل و تقابل منطقه‌گرایی و جهانی شدن در معماری معاصر، پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۱(۱): ۵۹-۷۵.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۳)، *چالش فناوری و شکوفایی در معماری معاصر کشورهای در حال توسعه، نقش جهان-مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی*، ۴(۲): ۳۶-۴۶.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، خبری، محمدعلی و عسکری مقدم رضا (۱۳۸۹)، *تجدید حیات‌گرایی و معماری معاصر ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شهر ایرانی اسلامی*، ۲(۱): ۹۵-۱۰۲.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد و لیلا دمیرچی لو (۱۳۹۶)، *دستور زبان پایداری برای معماری نوین ایران*، تهران: انتشارات حانون.
- نسبیت، کیت (۱۳۸۶)، *نظریه‌های پسا مدرن در معماری*، ترجمه و تدوین محمدرضا شیرازی، تهران: نشر نی.

Tzonis, Alexander (2003), *Introducing an architecture of the present. Critical regionalism and the design of identity*. In L. Lefaivre, & A. Tzonis, *Critical Regionalism: Architecture and Identity in a Globalised World (Architecture in Focus)* (pp. 10-20), New York: Prestel Publishing.

Wu, Xianghua & Gutschow, Kai (2006), *Concrete Resistance: Ando in the context of critical regionalism. History of Architectural Theory*, 48-311.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

the reasoning process, the research has adopted the descriptive-analytical methodology. It uses semantic content analysis and modeling methods to analyze the effects and procedures. With a forward-looking futuristic approach, the research seeks to draw what is the desired model of art and architecture at the level of the 20-year vision document of the Islamic Republic of Iran; as an inspiring model for other Islamic countries.

Research findings show that both anti-technology and anti-traditional trends have been doomed to fail in the field of practice. These reactionary trends seem to suffer from a lack of integrity and comprehensive understanding. They have led to a kind of "extreme traditionalism" or "imitation architecture" in the contemporary architecture of developing countries such as Iran. The results show a weakness in understanding the context for a futuristic and conceptual perspective toward the future. The results are petro-dollars for a hasty pastiche architectural style in some developing countries which results in environmental catastrophe and an energy-hungry development style.

The research's conclusion underscores that an essential shortcoming of the existing theories in the art and architecture of Islamic countries is the lack of practicality in the field of "design" and the weakness of comprehensiveness in the field of "technology". It highlights that a successful architecture theory has to criticize extremist traditionalism and imitation-eclecticism for finding a way toward the future. The high-performance architecture theory has to respect the context to learn from indigenous identity and adopt new technologies to meet excellence in design. From this perspective, it could be an alternative for the future of art and architecture in Islamic and developing countries.

Keywords: Contemporary art of Islamic countries, Design-based approach, Future architecture, High-performance architecture, Excellence in design, Philosophy of fine art, 20-Year visioning document of Iran.



Conceptualization of High-performance Architecture Theory to Explain Revivalist Trends in Developing Countries

Mohammadjavad Mahdavinejad¹

Receive Date: 15 February 2022, Accept Date: 10 May 2022
DIO: 10.22034/RPH.2022.697030

Abstract

The tendency towards "authenticity" has been considered more than ever in developing countries, especially in Islamic countries. Revivalist trends have become one of the most influential currents in Islamic countries' contemporary art and architecture. The literature shows that these trends, in addition to their strengths, also had several weaknesses. In Iran, along with the other trends in developing countries, revivalism acts as a dominant trend in the scene of contemporary architecture. In search of a contemporary expression, Revivalist trends in Iran aim to establish an outstanding model for the Islamic Republic of Iran. The high-performance architecture theory is a futuristic phenomenon that outlines a future for the world's architecture, especially for the future architecture of developing countries such as Iran. The context analysis looks at Islamic countries in the West of Asia, the North Africa (MENA) region, and other Islamic countries. As a leading architectural theory, the high-performance architecture theory outlines a framework for integrating technology and prosperity to meet "excellence".

The main goal of the research is to find the similarities and differences between the proposed theory with other competing theories in Islamic countries. The primary purpose of this study is to re-understand the revivalist tendencies in Islamic countries and to analyze their strengths and weaknesses in comparison with the high-performance architecture theory.

The research methodology is based on an analytical and logical argumentation research strategy. Regarding the "design-based" character of high-performance architecture theory, the research methodology is to include theory and practice simultaneously. Based on the outlined goal, the research results can provide a framework for comprehensive policies in the field of art and architecture of Islamic countries. From a methodological point of view, the research examines the theories of revival and related practices in the art and architecture of Islamic countries with a logical argumentation strategy. For

1. Professor of Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: mahdavinejad@modares.ac.ir